

منهای فوتبال

انتخاب سرمربی، چالش جدید والیبالیست



با وجود اینکه المپیک توکیو یک سال عقب افتاده قرار است این بازی‌ها مرداد ۱۴۰۰ برگزار شود، اما با این حال والیبالیست ایران چالش بسیار مهمی را پیش رو دارد. چالشی که با توجه به پایان همکاری با ایگور کولاکوویچ به انتخاب نفر اول نیمکت تیم ملی مربوط می‌شود. باید دید محمدرضا داورزنی رییس فدراسیون که به خاطر بازگشت به والیبالیست، در سال مهم المپیک قیدصندلی معاونتش در وزارت ورزش و جوانان را زد، چگونه از پس این تصمیم مهم برمی‌آید. آیا او سراغ گزینه داخلی می‌رود یا یک مربی خارجی را بالای سر تیم قرار می‌دهد. داورزنی در دوره پیشین ریاستش صحبت‌های زیادی از تلاش‌هایش برای ایستادن تیم ملی والیبالیست ایران روی سکو المپیک مطرح می‌کرد. او حتی در نخستین روزهای بازگشتش به والیبالیست دست به هر کاری زد تا تیم ملی از چین با سهمیه المپیک خارج نشود. اما حالا بحث مهم‌تر عملکرد تیم در المپیک در مصاف با بهترین‌های والیبالیست دنیاست.

والیبالیست ایران با آمدن خولیو ولاسکو به شدت اوج گرفت و خیلی زود به رشته‌های تبدیل شد که مردم به خاطر پیروزی‌هایش جشن خیابانی می‌گرفتند. بعد از ولاسکو خارجی‌های دیگری از جمله کواچ و کولاکوویچ هدایت تیم ایران را به دست گرفتند اما آنها نتوانستند به اندازه ولاسکو رضایت‌ها را جلب کنند. حالا اما پیش روی استخدام مربی خارجی موضوع مهمی قرار دارد. موضوعی که حتی فوتبال را هم بی‌تصیب نگذاشت و شاهد خروج سرمربی‌های خارجی لیگ فوتبال بودیم. نباید فراموش کرد اگر والیبالیست خواهان مربی خارجی است، این مربی باید نام بزرگی داشته باشد و با توجه به افزایش و نوسان قیمت‌ها، حضور مربی تراز اول خارجی هزینه هنگفتی را می‌طلبد. حتی اگر بحث هزینه را هم فاکتور بگیریم، المپیک در پیش است و بیشتر مربیان مطرح مشغول آماده‌سازی تیم‌هایشان هستند، بنابراین پیدا کردن مربی مطرح در این روزها کار دشواری به نظر می‌رسد. شاید این عاملی باشد برای چرخش نگاه‌ها به سمت انتخاب سرمربی ایرانی. تصمیمی که باز هم بدون دشواری نیست. انتخاب مربی‌ای که تجربه کافی برای هدایت تیم در المپیک را داشته باشد و البته ملی‌پوشان از او حرف شنوی داشته باشند پروسه سختی به نظر می‌رسد. با این حال به نظر می‌رسد در بین مربیان ایرانی، بهروز عطایی که روزهای موقفی را با تیم ملی جوانان رقم زد و نخستین عنوان قهرمانی جوانان جهان را به دست آورد و همچنین پیمان اکبری که سال‌ها کنار کولاکوویچ حضور داشته، از شناس بیشتر برای شانس‌سنجی روی نیمکت تیم ملی برخوردارند. حال باید دید فدراسیون سرانجام چه تصمیمی برای ادامه کار تیم ملی می‌گیرد.

فیاضی، بدترین خرید پلاس لیگا انتقال پوریا فیاضی، ملی‌پوش والیبالیست ایران به تیم بدین یکی از خریدهای پرسروصدای ضعیف‌ترین تیم لیگ والیبالیست لهستان در فصل گذشته پلاس لیگا بود. فیاضی ۲۶ ساله با قراردادی یک‌ساله به تیم بدین پیوست تا با کیفیتی که داشت، وضعیت تیم جدیدش را در جدول پلاس لیگا بهتر کند، اما هیچ‌وقت این اتفاق نیفتاد. به گزارش رسانه‌های لهستانی مشکلات فیاضی از همان ابتدا شروع شد. او با تاخیری دو هفته‌ای به خاطر مشکلات ویزا وارد لهستان شد و در اولین بازی مقابل زاورچ به میدان رفت.

او در نهایت ۶ بازی برای تیمش انجام داد و در محیطی پر از شایعه از این تیم جدا شد. فیاضی در تیم بدین روزهای چندان خوبی را سبب نمی‌کرد و به دلیل عدم پرداخت دستمزدش تصمیم گرفت لهستان را ترک کند. با شیوع ویروس کرونا و به پایان رسیدن رقابت‌های لیگ لهستان یک سایت ورزشی در این کشور بارها اندازی یک نظرسنجی از هواداران والیبالیست تا بدترین نقل و انتقال این فصل پلاس لیگا را انتخاب کنند. پوریا فیاضی، در یافت‌کننده والیبالیست ایران با کسب بیشترین رأی این عنوان را به خود اختصاص داد.

نگاهی متفاوت به استفاده از «فوتبال» در سریال پایتخت

گاف‌های مجانی!

استفاده از فوتبال در سریال پایتخت، لحظات جذابی برای این سریال بر طرفداران روزی به وجود آورد. این اولین بار نبود که پایتخت، به موضوع فوتبال می‌پرداخت. در اولین فصل از این سریال نیز، به علاقه‌مندی‌ها به تیم نساجی اشاره شد و در یکی از قسمت‌های دیگر نیز، شخصیت‌های پایتخت در حال تماشای دربی تهران، مدام با بازیکنان دو تیم شوخی می‌کردند. این بار اما ماجرا جدی‌تر شد و یکی از کاراکترهای مهم سریال، درون دروازه یک تیم لیگ برتری قرار گرفت. این استفاده از فوتبال، هیچ‌اشکالی ندارد اما کاش مالکان ذوق زده باشگاه نساجی، بدانند که هر باشگاهی در دنیا برای استفاده از برندش در یک سریال، هزینه هنگفتی در یافت می‌کند.



با تساوی صفر - صفر تمام شد. چراکه این سنگربان جوان، تک‌تک توپ‌های مسابقه و حتی ضربه سر و حید امیری را نیز مهار کرد. در درجه اول، استفاده از اسم یک فوتبالیست برای این شخصیت سریال باز همان فصل گذشته نیز موجب نارضایتی بازیکن سابق استقلال شده بود. بهتاش فریبی واقعی، بارها اعلام کرده که حتی یک تماس کوچک با او در

آر باز هنورد

تنها فوتبال روزهای قرظینه، جدال تیم‌های پرسپولیس و نساجی از زاویه دوربین سیروس مقدم بود. مسابقه‌ای که در واقعیت با ضربه سر و حید امیری، با برتری یک بر صفر تیم کالدرون به پایان رسید اما در سریال پایتخت با درخشش خیره‌کننده بهتاش فریبی،

چهره به چهره

اتفاقی غیرمنتظره در روزهای کرونا

خدا حافظ فونیکه!

خبر درگذشت فونیکه سسی، برای همه هواداران فوتبال ایران و به ویژه طرفداران نفت آبادان، خبر ناراحت‌کننده‌ای به نظر می‌رسد. او یکی از فوتبالیست‌های خارجی خوب فوتبال ایران به‌شمار می‌رود و دوران موفقیت‌آمیزی را در این فوتبال سپری کرده بود. فونیکه ۳۴ سالگی، جانش را از دست داد اما خاطرات خوب زیادی از او در حافظه لیگ برتر باقی مانده است. فونیکه که دوستان نزدیکش او را فلیکس صدا می‌زدند، ظاهراً با یک تصادف رانندگی جدی روبرو شد و ظاهراً همین تصادف جان او را گرفت. فوتبال ایران پیش از این، چهره‌های خارجی شایسته دیگری را نیز پس از پایان دوران فوتبالشان از دست داده است. فیلیپه

اتفاق روز

خوب و بد تعویق المپیک توکیو برای ورزش ایران

سکته‌ای به سود ستاره‌ها!

آر باطاری

ژاپنی‌ها تا آن‌جا که می‌توانستند، مقابل ایده تعویق المپیک مقاومت کردند. چرا که این موضوع ضرر مالی بسیار بزرگی برای آنها به وجود می‌آورد. شینزو آبه رسماً اعلام کرد که المپیک در زمان تعیین شده برگزار می‌شود اما با فاصله کشور‌های مختلف، پاسخ دادند که هیچ ورزشکاری به المپیک اعزام نمی‌کنند. این تصمیم همگانی، سرانجام ژاپنی‌ها را تسلیم کرد و این کشور رسماً از تعویق یک ساله المپیک خبر داد. شمارش معکوس جدیدی هم برای این رقابت‌ها دوباره در میدان اصلی توکیو آغاز شد. حالا سوال بزرگ اینجاست که این موضوع، چه تأثیری روی ورزش ایران خواهد داشت. به نظر می‌رسد این اتفاق در مجموع به سود ورزشکاران ایرانی باشد.

المپیک ۲۰۲۰ توکیو، با یک سال تأخیر برگزار می‌شود. این برای اولین بار در تمام تاریخ است که میزبان المپیک، در یک سال فرد اتفاق می‌افتد. مدیران ارشد دولت ژاپن، تلاش کردند تا آن‌جا که می‌توانند جلوی این تعویق را بگیرند اما شیوع کرونا به حدی بود که دیگر امکان برگزاری المپیک به هیچ قیمتی و در هیچ

این مورد نگرته‌اند تا رضایتش را جلب کنند. از این‌ها که بگذریم، به محتوای فوتبالی خود سریال می‌رسیم. شاید افرادی که آشنایی چندانی با فوتبال و لیگ برتر ندارند، داستان پایتخت را باور کنند اما محسن تانپنده که اتفاقاً خودش هم به شدت فوتبالی است، طبیعتاً نباید انتظار داشته باشد اهالی فوتبال و تعقیب‌کنندگان جدی این

نفت به ثمر رساند. او به لحاظ میانگین گل‌زنی یکی از بهترین گل‌زنان تاریخ باشگاه محسوب می‌شود و پس از به ثمر رساندن گل بیستم از سوی گزار شگر مسابقه لقب «فونیکه بیست» را دریافت کرد. هواداران نفت، شیفته این مهاجم بودند و تلاش زیادی به خرج دادند تا مانع جدایی او شوند اما پیشنهاد فوق‌العاده اماراتی‌ها، فونیکه را از لیگ برتر ایران جدا کرد. او حتی در تیرس استقلال و پرسپولیس نیز قرار گرفته بود و فاصله چندانی با بازی برای یکی از دو باشگاه نداشت اما در نهایت تصمیم گرفت راهی فوتبال امارات شود. فونیکه، گریه سیاه سرخایی‌ها محسوب می‌شود و روبروی این دو تیم، درخشش قابل توجهی داشت. بدون تردید بهترین و فراموش‌نشدنی‌ترین نمایش فونیکه سی در فوتبال ایران، به همت ترک روبروی پرسپولیس باشد! او اخیراً بهمین سال ۹۰، فونیکه ۱۹ گل زده آقای گل مطلق فوتبال ایران محسوب می‌شد. او گل قهرمانی باشگاه عجمان در جام اتصالات

گذشته مصدوم شد و خیلی از طرفدارانش را نگران کرد. او نیز مثل سهراب، به المپیک ۲۰۲۰ می‌رسد اما ممکن بود نتواند در بهترین سطح خودش رقابت کند. موضوعی که به رقیب جدی‌اش یعنی تیلاور برای موفقیت در المپیک کمک می‌کرد. ببر جوان جویبار اما حالا یک سال دیگر زمان دارد تا با کیفیتی بسیار خوب، به المپیک برسد و رقیب‌ها را یک‌به‌یک از پیش رو بردارد. حمیده عباسعلی نیز چنین شرایطی خواهد داشت. ستاره این روزهای کاراته ایران، مدتی قبل مصدوم و ناچار شد دوران درمان را خیلی زود پشت سر بگذارد. عباسعلی برای رسیدن به المپیک، نگرانی‌هایی داشت که حالا دیگر به‌طور کامل، برطرف شده‌اند. زمان بیشتر، برای فدراسیون‌های «دقیقه‌نودی» ورزش ایران، یک مزیت است. هر چند که آنها شاید دوباره همه چیز را به آخرین لحظه‌ها و روزها موکول کنند. در پینگ‌پنگ که انتخابی‌ها از مدت‌ها قبل کاملاً متوقف شده بودند، چنین وقفه‌ای کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. فدراسیون‌هایی مثل جودو که درگیر تعلیق هستند، می‌توانند از این فرصت به‌وجود آمده استفاده کنند تا شاید با حل کردن مشکلاتشان با فدراسیون‌های جهانی، راهی برای حضور در المپیک پیدا کنند. فدراسیون قایقرانی نیز به شدت از این تعویق استقبال کرده و آن را یک فرصت خوب برای آماده‌سازی در جهت رسیدن به المپیک می‌داند. والیبالی‌ها نیز یک تصمیم کلیدی گرفته‌اند و با کولاکوویچ قطع همکاری کرده‌اند. با توجه به نزدیکی بودن

این اتفاق نیز هرگز در دنیای فوتبال رخ نخواهد داد. حداقل سناریوی توانست طوری پیش برود که بازیکنان نساجی به جای رفتن از فرودگاه به استادیوم، برای یک روز در هتل استراحت کنند. حتی در جریان بازی نیز، یک گاف بزرگ وجود داشت. از زاویه دوربین پایتخت، بازی با تساوی بدون گل تمام شد اما در پایان بازی، برای یک لحظه تصویری شادی کالدرون و بازیکنانش مقابل دوربین قرار گرفت. لحظه‌ای که برای بازی‌پذیر شدن ماجرا باید در تدوین حذف می‌شد.

بهمه این گاف‌های فوتبالی، سریال پایتخت مثل همیشه جذاب و پرطرفدار بود. آنها این بار هم روی موضوعی دست گذاشتند که با استقبال ویژه‌ای از سوی مردم روبرو شد. فوتبال در ایران، هواخواهان زیادی دارد و پرداختن به آن با وجود همه دشواری‌ها، بازتاب‌های خوبی خواهد داشت. با این وجود شکل رابطه محصولات رسانه‌ای و فوتبال، در مقایسه با استانداردهای جهانی، کاملاً وارونه است. در همه دنیا اگر بخواهند سریالی با سکانس‌های فوتبالی بسازند و در آن از لباس، برند، اتوبوس، سرمربی و حتی بازیکنان واقعی یک تیم استفاده کنند، باید هزینه‌های زیادی به آن باشگاه بدهند. در واقع تیم فوتبال، باید هزینه در اختیار قرار دادن برندش را دریافت کند و پرداختن این رقم برای سریالی که چندین میلیارد برای تولیدش در نظر گرفته می‌شود، اصلاً کم‌زبانی نیست نساجی قائمشهر که اتفاقاً مشکلات مالی زیادی هم دارد، می‌توانست از پول این سریال برای حل بخشی از مشکلات خودش استفاده کند. علاوه بر این، اگر هدف نمایش عشق و علاقه نساجی‌چی‌ها به فوتبال بود، کاش این تصویربرداری به جای لیگ برتر، به اردوی چهار جانبه ترکیه رفتند. موضوعی که هیچ‌وقت همزمان با برگزاری لیگ رخ نمی‌دهد. گاف دیگر اینجاست که نساجی به محض بازگشت از اردوی ترکیه، مستقیماً راهی تهران شد تا مقابل پرسپولیس قرار بگیرد.

باشگاه نساجی هم کشیده شد. طبیعتاً این موضوع، روی تمرکز بازیکنان و مربیان تیم تأثیر منفی داشت. نساجی‌ها به جای دریافت هزینه همه این خدمات بی‌شائبه، از بردن نامش در تلویزیون شادمان می‌شود. در واقع برند فوتبال مثل همیشه به صورت «مجانی» به دیگران خدمت می‌دهد و از این موضوع، حتی ذره‌ای ناراحت نمی‌شود. به همین خاطر است که وقتی در روزهای تعطیلی فوتبال، همه دنیا نگران مبلغ حق پخش هستند، در ایران کک هیچ باشگاهی هم نمی‌گردد!

اگر پایتخت در ازای استفاده از برند یک تیم فوتبال پول پرداخت می‌کرد، بدون تردید باشگاه نساجی نیز یک مشاور فوتبالی در اختیار آنها قرار می‌داد تا میزان گاف‌های سریال نیز کاهش پیدا کند. در موفقیت این اثر تلویزیونی تردیدی نیست و محبوبیت آن در بین مردم نیز انکار‌نشدنی به نظر می‌رسد اما کاش اهالی فوتبال، آن‌چه در چنته دارند را همین قدر بی‌حساب و کتاب در اختیار دیگران قرار نمی‌دادند. آنوقت ارزش واقعی فوتبال هم درک می‌شد و باشگاه‌ها با چنین مشکلات مالی و حسرت‌ناکی دست و پنجه نرم نمی‌کردند. آنوقت فوتبال به همین سادگی به‌بن‌بست نمی‌رسید و اقتصاد آن، به همین راحتی مختل نمی‌شد.



چنین کاری شده‌اند. پس از آن مسابقه، علی کریمی با عصبانیت به رختکن تیم رفت و از گلر پرآشوبه تیم یعنی میثاق معمارزاده، خواست که پیراهن فونیکه را برای همیشه به یاد داشته باشد! او اخیراً بهمین سال ۹۰، فونیکه ۱۹ گل زده آقای گل مطلق فوتبال ایران محسوب می‌شد. او گل قهرمانی باشگاه عجمان در جام اتصالات

رقابت‌های المپیک، قرار بود کولاکوویچ تا آن رقابت‌ها ماندگار شود اما این تعویق یک ساله، حالا شرایط را تغییر داده است. هر چند که در شرایط فعلی، جذب یک مربی جدید و برگزاری تمرین‌ها نیز فعلاً امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد. با این روند بعید نیست فدراسیون والیبالیست، به‌سراغ انتخاب یک مربی داخلی برای تیم ملی برود. موضوعی که پس از جذب ولاسکو، هرگز در والیبالیست ایران اتفاق نیفتاده است. هر چند که برای بعضی از رشته‌ها، تعویق المپیک به منزله فرصت بیشتر باشد، بعضی از رشته‌های دیگر به آن به چشم تهدید نگاه می‌کنند. به‌ویژه رشته‌هایی که برای برگزاری المپیک، آماده بودند. برای مثال در تکواندو، آرمین هادی‌پور و میرهاشم حسینی کاملاً آماده بودند تا راهی المپیک شوند. حالا آنها نگران هستند که در یک سال آینده، با آسیب‌دیدگی و مشکلات مختلف دست و پنجه نرم کنند. در شمشیربازی نیز، اوضاع بر همین منوال است. چرا که تیم ملی نیز کاملاً مهیای حضور در المپیک به نظر می‌رسد. طبیعتاً منتظر ماندن برای یک سال، برای همه ورزشکارها دشوار خواهد بود اما آنها می‌توانند در این دوره، به کسب آمادگی بیشتر و آنالیز کامل رقیب‌ها بپردازند. فراموش نکنید که این شرایط برای همه یکسان است و این انتظار، همگانی خواهد بود. در نتیجه می‌توان گفت که برای ورزش ایران، به‌طور کلی تعویق المپیک یک اتفاق سودمند به نظر می‌رسد.